



Legal Analysis of Force Majeure Clauses in Oil and Gas Law and Upstream Contracts of Iran's Oil and Gas Industry

Hedayat Farkhani¹  Hossein Sadeghi²  Mahdi Naser³ 

1. PhD of oil and gas law, faculty of law and political science, university of Tehran, Tehran, Iran. Email: h.farkhani@ut.ac.ir
2. Corresponding Author; Assistant Professor, Faculty of entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: hosadeghi@ut.ac.ir
3. PhD student in private law, faculty of law, University of judicial sciences and administrative services, Tehran, Iran. Email: mn.ujasac0077@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Manuscript received:

10 December 2022

final revision

received:

22 January 2023

accepted:

12 February 2023

published online:

15 March 2023

Keywords:

Force Majeure, Upstream Contracts, Oil and Gas Industry, Contract Excuse, Buy Back

Abstract

The upstream contracts of the oil and gas industry, due to the nature and specific characteristics of this industry, have unique characteristics that distinguish this type of contract from other types of international commercial contracts. Complexity, uncertainties, and instabilities have always existed in the oil and gas industry in the upstream sector, *i.e.*, exploration, development, and production stages. Due to the long term of these contracts, it is always possible for events beyond the will and power and prediction of the parties to occur, which may temporarily or permanently create obstacles or delays during the implementation of these contracts. In this case, the continued existence of the contract requires the parties to determine their rights and obligations in the event of *force majeure* events. Accordingly, the *force majeure* condition is one of the most important conditions in oil contracts. Iran, as one of the countries with huge oil and gas resources, needs contracts in which the *force majeure* condition is considered to manage this industry in the upstream and downstream sectors.

In this research, with an analytical view, we have given a description of the developments in the inclusion of the *force majeure* condition in the legal system governing the upstream industry of Iran's oil and gas industry. In this context, the laws and regulations governing this industry and the concluded upstream contracts from the point of view of the *force majeure* condition, we have investigated to answer this main question:

Therefore, if we want to divide the history of the *force majeure* condition in the upstream contracts of the oil and gas industry, we must consider the existence of three different periods. The first period was the period of neglect and failure to include the *force majeure* condition in the contracts, which starts from the beginning of the formation of the oil contractual system in Iran, especially in the concession contracts such as Darcy's and Reuter's concessions, until before the nationalization of Iran's oil and gas industry. The second period is when the *force majeure* condition appeared in the oil Act of 1957 and as a result, this condition was included in most of the upstream contracts concluded between 1950 and 1978. The third period is of great importance to the condition of *force majeure* and is the time period after the Islamic revolution. It is well-considered and the condition related to *force majeure* becomes one of the most extensive conditions of oil contracts in this period. In this course, regarding the formal and substantive conditions of *force majeure*, the conditions of realization and the requirements for citing it, the examples of *force majeure* and its constituent elements, the effect of *force majeure* on the life of the contract, the costs incurred, the rights and obligations of the parties and how suspension or termination of the contract and exemption from contractual liability due to the occurrence of *force majeure* are precisely and explicitly included in oil contracts.

Cite this article: Farkhani, Hedayat; Hossein Sadeghi; Mahdi Naser. (2023, Autumn& Winter) "Legal Analysis of Force Majeure Clauses in Oil and Gas Law and Upstream Contracts of Iran's Oil and Gas Industry" *Energy Law Studies*, 8 (2): 421 – 436. DOI:<https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.351569.512>

Publisher: University of Tehran Press.



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22059/JRELS.2023.351569.512>



تحلیل حقوقی تحولات شرط فورس ماژور در قوانین نفتی و قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ایران

هدایت فرخانی^۱ حسین صادقی^۲ مهدی ناصر^۳

۱. دکتری، حقوق نفت و گاز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: h.farkhani@ut.ac.ir
۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه حقوق، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hosadeghi@ut.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. رایانامه: mn.ujsasac0077@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۹/۱۹

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۱۱/۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۱/۲۳

تاریخ چاپ:

۱۴۰۱/۱۲/۲۴

قراردادهای بالادستی نفت و گاز دارای جنبه‌های فنی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، مالی، سیاسی و زیست‌محیطی است. بلندمدت و مستمر بودن، لزوم صرف هزینه‌های سنگین و سرمایه فراوان، ناشناخته بودن رفتار مخزن و بازار، ریسک زیاد و عدم قطعیت و پیچیدگی و عدم اطمینان، چندی بعدی بودن کالای مورد قرارداد (نفت و گاز)، دخالت بازیگران متعدد خصوصی، دولتی و شرکت‌های فراملیتی، مسائل حاکمیتی و دولتی و مردمی بودن منابع نفت و گاز در برخی کشورهای صاحب منابع، همگی سبب افزایش ریسک‌های این قراردادها نسبت به قراردادهای عمومی (غیرنفتی) شده و احتمال وقوع حوادث، تغییر و تحولات بنیادین و اساسی و ایجاد مانع و وقفه در قرارداد را افزایش می‌دهد. در این پژوهش با مطالعه و بررسی قوانین و مقررات ناظر بر صنعت نفت و گاز و قراردادهای بالادستی نفتی در نظام حقوقی ایران، وضعیت و تحولات عذر قراردادی فورس ماژور در این قراردادها را مورد تحلیل قرار داده‌ایم. نتایج بررسی نشان می‌دهد با گذشت زمان و اهمیت یافتن قراردادهای نفتی و تکامل ابعاد حقوقی این قراردادها، این شرط بیشتر مورد توجه قرار گرفت و امروزه به یکی از مهم‌ترین شروط قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز در ایران مبدل شده است.

کلیدواژه‌ها:

بیع متقابل، صنعت نفت و گاز، عذر قراردادی، فورس ماژور، قراردادهای بالادستی

استناد: فرخانی، هدایت؛ حسین صادقی؛ مهدی ناصر. (پاییز و زمستان ۱۴۰۱) «تحلیل حقوقی تحولات شرط فورس ماژور در قوانین نفتی و قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ایران»، *مطالعات حقوق انرژی*، ۳۸(۲): ۴۲۱-۴۳۶. DOI: <http://doi.org/10.22059/JRELS.2023.351569.512>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



DOI: <http://doi.org/10.22059/JRELS.2023.351569.512>

مقدمه

اهمیت روزافزون مبادلات تجاری و قراردادهای بازرگانی در دنیای امروز و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و اقتصادی و مالی، لزوم توجه به موضوع معاذیر قراردادی را پررنگ‌تر ساخته است. شرط فورس مازور یکی از مهم‌ترین معاذیر قراردادهای نفتی است. این نظریه اجمالاً حاکی از آن است که قرارداد ممکن است به این علت که اجرای آن به دلیل حادثه‌ای چیره‌گر که به‌طور معمول برای طرفین قرارداد غیرقابل پیش‌بینی بوده است، ناممکن شده، به تشخیص دادگاه منحل یا معلق تلقی گردد (Amon, 1976: 86).

قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز به علت ماهیت و ویژگی‌های ذاتی و خاص این صنعت، از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار بوده که این نوع قراردادها را از سایر انواع قراردادهای تجاری بین‌المللی متمایز کرده است. پیچیدگی، عدم قطعیت‌ها و بی‌ثباتی‌ها در صنعت نفت و گاز در بخش بالادستی، یعنی مراحل اکتشاف، توسعه و تولید، همواره وجود داشته است (Charles, 1988: 95). بلندمدت بودن این قراردادها، لزوم صرف هزینه‌های سنگین و سرمایه‌ فراوان، عدم قابلیت پیش‌بینی رفتار مخزن و بازار، وجود ریسک‌های بالقوه و بالفعل زیاد و عدم اطمینان، اهمیت امنیتی و راهبردی نفت و گاز در عرصه بین‌المللی، دخالت بازیگران متعدد خصوصی، دولتی و شرکت‌های فراملیتی، مسائل حاکمیتی و دولتی، عمومی و مردمی بودن منابع نفت و گاز در برخی کشورهای صاحب منابع (Puelinckx, 1986: 56)، سبب شده قراردادهای مرتبط با بخش بالادستی صنعت نفت و گاز نسبت به سایر قراردادهای عمومی (غیرنفتی) و قراردادهای بخش پایین‌دستی از تفاوت‌ها و تمایزات عمده‌ای برخوردار باشد و احتمال تغییر شرایط و اوضاع و احوال بر انعقاد قرارداد، وقوع تغییرات، حوادث، اتفاقات، وقایع، معاذیر و موانع اجرای قرارداد در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فنی، مالی، حقوقی، زیست‌محیطی، فناوری، اجتماعی و... در طول دوره حیات قرارداد به‌صورت بالقوه وجود داشته باشد و طرفین قرارداد بتوانند در مواردی به عذر قراردادی فورس مازور برای معافیت از مسئولیت قراردادی استناد کنند (Southington, 2001: 37).

با وصف توجه به ویژگی‌های خاص قراردادهای نفتی که ممکن است با انواع خطرات فنی، سیاسی و مالی روبه‌رو شود و با یادآوری این نکته که اجرای قرارداد در وهله نخست تابع توافق و شرایط مندرج در سند قراردادی طرفین است و در صورت عدم پیش‌بینی شرط معاذیر در قرارداد، ممکن است سبب مراجعه به قانون حاکم و بروز برخی اختلافات شود؛ از این‌رو طرفین درگیر در قراردادهای نفتی معمولاً مجاب

می‌شوند که نسبت به یکی از انواع معاذیر قراردادی به‌تصریح در عقد توافق کنند (رفیعی و رجیبی، ۱۴۰۰: ۲۴۷) که یکی از این معاذیر، فورس‌ماژور است.

در این نوشتار با نگاهی تحلیلی - توصیفی به بررسی تحولات رخ داده در درج شرط فورس‌ماژور در نظام حقوقی حاکم بر صنعت بالادستی صنعت نفت و گاز ایران پرداخته‌ایم. در این زمینه، قوانین و مقررات حاکم بر این صنعت و قراردادهای بالادستی منعقد را از منظر شرط فورس‌ماژور بررسی کرده‌ایم تا به این پرسش اصلی پاسخ دهیم که شرط فورس‌ماژور در گذر زمان، در نظام حقوقی حاکم بر صنعت بالادستی نفت و گاز ایران، چه تحولاتی را از سر گذرانده است؟ فرضیه این پژوهش بر آن است که شرط فورس‌ماژور یکی از شروط جدایی‌ناپذیر قراردادهای نفتی است که در بیشتر قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ایران به رسمیت شناخته شده است و طرفین می‌توانند مفاد آن را با یکدیگر مقرر نمایند.

درباره این موضوع، در نظام حقوقی کشور ما ادبیات اندکی وجود دارد و اثر علمی که به‌صورت تخصصی به بررسی موضوع فورس‌ماژور در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ایران پرداخته باشد، وجود ندارد و بیشتر آثار موجود در این باره، به بحث فورس‌ماژور به‌عنوان عذری قراردادی در قراردادهای عمومی (غیرنفتی) پرداخته‌اند. روش گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای بوده و بیشتر از قوانین، مقررات و قراردادهای تنظیم‌شده در صنعت نفت و گاز ایران استفاده شده است. مطالب در چند بخش: ضرورت درج شرط فورس‌ماژور، فورس‌ماژور در قوانین و مقررات حاکم بر صنعت بالادستی نفت و گاز و فورس‌ماژور در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران، سامان یافته است.

۱. ضرورت درج شرط فورس‌ماژور در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز

قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز که انجام عملیات نفتی در مراحل اکتشاف، توسعه و تولید را به‌صورت جداگانه یا هم‌زمان دربرمی‌گیرند، به‌واسطه ویژگی‌های خاص خود از قراردادهای بسیار مهم و پیچیده در میان سایر قراردادها هستند. ماهیت و ویژگی خاص کالای موضوع قرارداد (نفت، گاز یا سایر مشتقات آن‌ها) و چندبعدی بودن این کالا سبب شده است، این نوع قراردادها همواره از اهمیت بسیار بالایی برخوردار باشد. این قراردادها در دسته قراردادهای بلندمدت جای می‌گیرند که حقوق و تعهدات طرفین طی مدت قرارداد و در دوره زمانی طولانی استمرار می‌یابد. ویژگی بلندمدت بودن این قراردادها، احتمال وقوع انواع ریسک‌ها، عدم قطعیت‌ها و موانع قراردادی را تقویت می‌کند. در طول دوره حیات قرارداد، ریسک‌های گوناگون فنی و فناوری، اقتصادی و مالی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی و نوسانات پولی و بحران‌های اقتصادی که معمولاً بر اثر حوادث غیرقابل پیش‌بینی مانند جنگ و انقلاب رخ می‌دهد، به‌طور کلی تعادل قرارداد را دگرگون می‌کند (حسین‌آبادی، ۱۳۷۶: ۶۹۱). این اتفاقات معمولاً خارج از پروژه و کنترل مشارکت‌کنندگان در آن و غیرقابل پیش‌بینی است و اجرای قرارداد و ایفای تعهدات

طرفین را با مشکل، وقفه و تأخیر موقت یا دائم روبه‌رو می‌سازد. این مشکل، به‌ویژه در قراردادهای مستمر که اجرای آن‌ها بسیار به درازا می‌کشد، بیشتر دیده می‌شود. در این موارد، منطق حقوقی ایجاب می‌نماید برای جلوگیری از سقوط قرارداد و تضمین حقوق طرفین آن و حفظ عدالت قراردادی، موضوع را از لحاظ حقوقی، راهبری و مدیریت کرد. در قوانین، مقررات و اسناد قانونی کشورهای مختلف، موضوع مدیریت حقوقی حوادث پیش‌بینی نشده مورد توجه قرار گرفته است (Zivkovic, 2014: 68). در همین راستا و برای جلوگیری از بروز مشکل در صورت وقوع حوادث فورس‌ماژور، به‌ویژه در قراردادهای مستمر و بلندمدت، طرفین مبادرت به درج شروطی در قرارداد می‌کنند تا احتمالات و حوادث آینده را مدنظر قرار داده و نحوه مقابله و برخورد با آن‌ها را پیش‌بینی کنند (شیروی، ۱۳۹۰: ۱۹۲). از طریق درج این شرط در قرارداد، تا حدود زیادی از تأثیر منفی حوادث فورس‌ماژور بر حیات قرارداد جلوگیری می‌شود و طی آن حوادث فورس‌ماژور تعریف، مصادیق و آثار و ضمانت اجراهای این حوادث درباره حقوق و تعهدات طرفین و حیات قرارداد بیان می‌شود. در واقع شرط فورس‌ماژور در قرارداد به‌دنبال دو منظور است: ۱. مصادیق فورس‌ماژور کدام است و تحت چه شرایطی یک واقعه فورس‌ماژور محقق می‌شود؛ ۲. تأثیر فورس‌ماژور بر قرارداد و یا حقوق و تکالیف طرفین چیست (Trends, 2007: 141).

۲. فورس‌ماژور در نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ایران

تحولات قانونی و قراردادی بخش مهم و جدایی‌ناپذیر صنعت نفت و گاز است. مفاد، شرایط و قالب قراردادهای بالادستی صنعت نفت ایران همواره تابعی از شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی زمان خاص خود بوده است (Sadeghi, 1994: 64). در نظام حقوقی کشور ما، مهم‌ترین مستند قانونی درباره فورس‌ماژور یا قوه قاهره، قانون مدنی است. ماده ۲۲۷ این قانون بیان می‌دارد: «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیة خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به‌واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود». ماده ۲۲۹ نیز مقرر می‌دارد: «اگر متعهد به‌واسطه حادثه که دفع آن خارج از حیطة اقتدار اوست نتواند از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تأدیة خسارت نخواهد بود». براساس مواد قانونی اشاره شده، حادثه‌ای قوه قاهره تلقی می‌شود که خارجی و به تعبیر دقیق‌تر، خارج از اراده متعهد و قلمرو مسئولیت او و اجتناب‌ناپذیر باشد و به سخن دیگر، غیرقابل دفع و پیش‌بینی باشد. مهم‌ترین شرایط قوه قاهره عبارت از است خارجی بودن و برای توضیح بهتر وضعیت شرط فورس‌ماژور در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ایران و بررسی تحولات آن، ناگزیر از بررسی این شرط قراردادی در دو بخش قوانین و مقررات نفتی و قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز هستیم.

۱.۲. شرط فورس‌ماژور در قوانین و مقررات نفتی ایران

قانون مربوط به تفحص، اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره، موسوم به قانون نفت ۱۳۳۶ مشتمل بر شانزده ماده، از اولین قوانین نفتی بوده که عمده‌تاً ناظر بر نوع و مفاد قراردادهای نفتی، چگونگی واگذاری آن‌ها و نظام مالی قراردادهای نفتی است. در این قانون، به موضوع فورس‌ماژور توجه شده و یک ماده مجزا به آن اختصاص یافته است. براساس ماده ۱۳ این قانون: «در مواردی که به حکم قوه قهریه (فورس‌ماژور) مانعی که رفع یا جلوگیری از آن از اختیار عامل خارج باشد پیش آید و عامل نتواند تعهدی را که قبول کرده انجام دهد یا در انجام آن تأخیر کند، این عدم انجام یا تأخیر در انجام تعهد به‌عنوان تخلف از قرارداد تلقی نخواهد شد و هرگاه وقفه‌ای که در نتیجه عوامل مزبور پیش آمد نماید، یک سال یا بیشتر ادامه یابد، قرارداد به‌خودی‌خود برای آن مدت تمدید خواهد شد. تبصره- منظور از قوه قهریه (فورس‌ماژور) در این قانون همان است که در عرف حقوق بین‌المللی تعریف شده است».

در قانون نفت مصوب ۱۳۵۳ که در سی ماده تدوین شده، هیچ اشاره مستقیمی به شرط فورس‌ماژور نگردیده و تعریفی از آن ارائه نشده است. تنها موردی که می‌توان درباره شرط فورس‌ماژور در این قانون استنباط نمود، امکان استناد به این شرط براساس تعاریف، شرایط و مبانی پذیرفته شده در نظام حقوقی ایران در زمان لازم‌الاجرا بودن این قانون است. این موضوع از ماده ۲۳ قانون یادشده که قانون حاکم بر قراردادهای منعقد به‌موجب آن قانون را مشمول قانون ایران دانسته، قابل استنباط است. تصویب قانون نفت ۱۳۶۶ از تحولات مهم پس از انقلاب اسلامی است. این قانون برخلاف قانون نفت ۱۳۵۳، مختصر و مجمل بود و درنهایت با قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰ تغییر یافت. قانون مصوب ۱۳۹۰ مفاد قانون ۱۳۶۶ را در برخی موارد، به‌ویژه مواد مرتبط با تعاریف کلی، اصلاح و تغییرات ماهوی در آن اعمال کرده است. بررسی مفاد این دو قانون نشان می‌دهد در هیچ‌کدام به‌صورت صریح یا ضمنی به شرط فورس‌ماژور اشاره‌ای نشده است. ذکر نشدن این مورد را می‌توان به بی‌توجهی قانون‌گذار یا عدم تمایل به ذکر شروط قراردادی در متن قانون و تعیین تکلیف و بیان آن در مذاکرات طرفین قرارداد تفسیر کرد.

۲.۲. فورس‌ماژور در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ایران

چنانکه در بخش پیشین گذشت، در نظام حقوقی کشور ما، شرط فورس‌ماژور در قوانین مرتبط با نفت به‌صورت کلی مطرح شده و لزوم درج این شرط در قراردادهای نفتی مورد تأکید این قوانین قرار گرفته است. در این بخش، به بررسی وضعیت شرط فورس‌ماژور در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ایران می‌پردازیم.

۱.۲.۲. قراردادهای امتیازی

نخستین قراردادهای نفتی مورد استفاده در صنعت نفت و گاز ایران، قراردادهای امتیازی بودند. مهم‌ترین آن‌ها نیز قرارداد داری است. در این امتیازنامه، فقط یک فصل (ماده ۱۷) به موضوعات حقوقی اختصاص یافته است. در این امتیازنامه نیز مانند امتیازنامه رویترا، هیچ‌گونه اشاره‌ای به موضوع فورس ماژور یا قوه قهریه نشده است و با توجه به فصل هفدهم آن، به نظر می‌رسید چنانچه اختلافی درباره این شرط بین طرفین قرارداد ایجاد می‌گردید، باید توسط داوران تعیین شده از سوی آن‌ها یا داور ثالث، تعیین تکلیف می‌شد.

قرارداد دیگر، قرارداد امتیازی ۱۹۳۳ است. در این قرارداد نیز مانند امتیازنامه‌های دیگر، مقره‌ای درباره شرط فورس ماژور نیامده است و نمی‌توان در هیچ‌یک از مواد مربوطه در این باره عبارتی یافت. برای نخستین بار در قراردادهای پیش از انقلاب، در قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳، شرط مربوط به فورس ماژور پیش‌بینی گردید. ماده ۴۷ این قرارداد در این باره بیان می‌دارد:

در مورد وقایعی از قبیل جنگ و شورش و اغتشاشات داخلی و اعتصاب و طوفان و امواج مدی و سیل و بیماری‌های همه‌گیر (اپیدمی) و انفجار و آتش‌سوزی و برق و زلزله (وقایع از این قبیل محدود به مثال‌های مذکور نیست) که از حیطة اختیار هریک از طرف‌هایی که به‌موجب این قرارداد تعهداتی دارند خارج باشد و اجرای تعهدات مصرح در این قرارداد را غیرممکن سازد یا موجب جلوگیری از انجام آن یا تأخیر در انجام آن گردد، عدم انجام تعهد مزبور به‌عنوان قصور در اجرای مقررات این قرارداد تلقی نخواهد شد.

۲.۲.۲. قراردادهای مشارکتی

بعد از تصویب قانون نفت ۱۳۳۶ و در سال‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴، شش قرارداد مشارکتی با شرکت نفت فلات قاره دشتستان (دوپکو)، شرکت نفت فلات قاره ایران (ایروپکو)، شرکت نفت بین‌المللی دریایی ایران (ایمینوکو)، شرکت نفت لاوان (لاپکو)، شرکت نفت فارسی (اف.پی.سی) و شرکت نفت خلیج فارس (پگوپو) به‌منظور اجرای عملیات تفحص، اکتشاف، استخراج، بهره‌برداری، فروش و صدور نفت از مناطق مصرح در قراردادهای مزبور بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های مذکور منعقد گردید. این قراردادها متحدالشکل بوده و همگی در ۴۳ ماده تنظیم شده و مفاد آن از غنای حقوقی خوبی برخوردار است. موضوع فورس ماژور در همه این قراردادها تعیین تکلیف شده است. ماده ۳۶ این قراردادها به شرح زیر مقرر می‌دارد:

ماده ۳۶- قوه قهریه (فورس ماژور)

در مواردی که به حکم قوه قهریه (فورس ماژور) مانعی پیش آید که به طور معقول از حیطة اختیار طرف دوم یا شرکت طرف قرارداد خارج بوده، اجرای تعهدات یا اعمال حقوق مقرر در این قرارداد را غیرممکن یا موقوف گرداند و یا تأخیری در آن ایجاد کند:

الف- این عدم انجام یا تأخیر طرف دوم یا شرکت طرف قرارداد در اجرای تعهدات مزبور به عنوان قصور یا تخلف از اجرای این قرارداد تلقی نخواهد شد؛

ب- مدتی که تأخیر در اجرا و اعمال حقوق و تعهدات مزبور طول کشیده باشد، به مدتی که طبق قرارداد مقرر است اضافه خواهد شد؛

ج- هرگاه ادامه مدت قوه قهریه کمتر از یک سال نباشد، این قرارداد به خودی خود برای دوره‌ای مساوی با مدت مزبور تمدید خواهد شد و این امر در حقوقی که به موجب قرارداد برای تمهیدهای اضافی در نظر گرفته شده است، خدشه‌ای وارد نخواهد ساخت.

۳.۲.۲. قراردادهای پیمانکاری

برخی از قراردادهای منعقد شده در صنعت نفت و گاز ایران، قراردادهای پیمانکاری بود. قرارداد پیمانکاری اکتشاف و تولید بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های اروپایی، در ۱۲ اسفند ۱۳۴۷، بین شرکت ملی نفت ایران و اراپ فرانسوی، آجیپ ایتالیایی و شرکت‌هایی از اسپانیا، بلژیک و اتریش منعقد شد و قانون مربوط به آن در ۱۳۴۸/۳/۳۱ به تصویب مجلس رسید. این قرارداد در ۳۹ ماده، ساختاری مشابه با قرارداد اراپ دارد (درخشان، ۱۳۹۲: ۷۶). ماده ۳۶ این قرارداد به موضوع فورس ماژور اختصاص دارد. این ماده مقرر می‌دارد:

ماده ۳۶- قوه قهریه (فورس ماژور)

جزء ۱- هیچ‌گونه قصور یا ترک هیچ‌کدام از طرفین در اجرای هیچ‌یک از مقررات و شرایط این قرارداد موجب ادعای طرف دیگر علیه او نخواهد بود و به عنوان نقض قرارداد تلقی نخواهد شد؛ به شرط و در حدود آنکه قصور و ترک مزبور از پیشامد قوه قهریه ناشی شده باشد؛

جزء ۲- بدون آنکه در کلیات حکم بالا محدودیتی حاصل شود و مخصوصاً هرگاه پیشامد قوه قهریه که از حیطة اقتدار هر کدام از طرفین خارج باشد، اجرای هرگونه تعهد یا اعمال هرگونه حقی را که به موجب این قرارداد مقرر است غیرممکن سازد یا تأخیری در آن ایجاد کند، به طریق زیر عمل خواهد شد:

الف- مدتی که تأخیر در اجرا و اعمال تعهد و حق مزبور طول کشیده باشد، به مدتی که طبق قرارداد مقرر است اضافه خواهد شد؛

ب- هرگاه ادامه مدت قوه قهریه کمتر از یک سال نباشد، این قرارداد به خودی خود برای دوره‌ای مساوی با مدت مزبور تمدید خواهد شد و این امر به حقوقی که به موجب قرارداد در مورد تمهیدهای اضافی در نظر گرفته شده است، خدشه‌ای وارد نخواهد آورد.

۴.۲.۲. قرارداد جدید نفتی ایران موسوم به IPC^۱

پس از انعقاد و اجرای چندین قرارداد بیع متقابل در طول نزدیک به سه دهه در پروژه‌های صنعت نفت و گاز کشور، قرارداد جدید نفتی ایران موسوم به IPC از سوی شرکت ملی نفت ایران در سال ۱۳۹۵ معرفی شد (Ghorbani, 2017: 68). ماده ۳۲ این پیش‌نویس به شرط فورس مازور اختصاص یافته و در بند یک این ماده تعریف شده است:

۱-۳۲) فورس مازور هرگونه وضعیت یا حادثه غیرقابل پیش‌بینی و فراتر از کنترل معقول طرفین قراردادی است که مانع اجرای قرارداد توسط طرفین می‌شود یا اجرای آن را به تعویق یا تأخیر می‌اندازد. فورس مازور شامل، ولی نه محدود به^۲: اعتصاب، اغتشاشات کارگری، قضای الهی^۳، حوادث غیرقابل اجتناب و جنگ (اعلام شده یا نشده) می‌شود. ناتوانی هریک از طرفین در انجام شروط و مفاد قرارداد یا عدم انجام آن، نباید حق طرح دعوی علیه طرف دیگر قرارداد را به طرف مقابل بدهد یا به‌عنوان نقض قرارداد محسوب گردد. اگر و تا حدودی که چنین ناتوانی یا عدم انجام تعهد، در نتیجه فورس مازور ایجاد شده باشد؛^۴

۲-۳۲) در صورت وقوع فورس مازور، طرف متأثر از حادثه باید ظرف چهارده روز به طرف مقابل اعلامیه مکتوبی مبنی بر اعلام دلیل و حدود تأثیر حادثه فورس مازور ارائه دهد و طرف دیگر قرارداد را از تحولات مهم رخ داده مطلع سازد. تعهدات طرف متأثر فقط باید در دوره‌ای که انجام این تعهدات به علت فورس مازور با مانع یا تعویق و تأخیر روبه‌رو می‌شود، معلق گردد، مشروط به آنکه: ۱. طرف متأثر از فورس مازور، همه کام‌های معقول و مراقبت‌های مقتضی برای از بین بردن و غلبه بر حادثه فورس مازور را در سریع‌ترین زمان ممکن و بهترین روش از لحاظ هزینه انجام داده باشد. همچنین مراقبت‌ها و اقدامات لازم برای محافظت تجهیزات و کارهای تکمیل شده و یا در حال تکمیل را به عمل آورد؛ ۲. طرف مزبور باید کلیه اقدامات معقول در حیطه اقتدار و توانایی خود برای کاهش، از بین بردن و غلبه بر فورس مازور را انجام دهد.

1. Iranian petroleum contracts
2. Including but not limited to
3. Act of god
4. If and to the extent that such failure or omission arises as a result f force majeure

۳. مؤلفه و شاخص‌های مهم شرط فورس‌ماژور در قراردادهای نفتی

شرط فورس‌ماژور به‌مثابه یکی از مهم‌ترین شروط قراردادی که درج آن در قراردادهای نفتی به عرف بین‌المللی نفتی^۱ تبدیل شده است، دارای مؤلفه و شاخص‌های ویژه است. مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

۱.۳. تعریف و ارکان تشکیل‌دهنده فورس‌ماژور

واژه فورس‌ماژور اصطلاحی فرانسوی است که ظاهراً نخستین بار در قانون مدنی فرانسه (کد ناپلئون) به‌کار رفته و سپس همین عبارت یا ترجمه‌های معادل آن در کشورهای دیگر مرسوم و متداول شده است (صفایی، ۱۳۶۴: ۱۱۲). این نظریه اجمالاً حاکی از آن است که قرارداد ممکن است به این علت که اجرای آن به دلیل حادثه‌ای چیره‌گر که به‌طور معمول برای طرفین قرارداد پیش‌بینی‌ناپذیر بوده است، ناممکن شده، به تشخیص دادگاه منحل یا معلق تلقی گردد (ابراهیمی و اویارحسین، ۱۳۹۱: ۲). مفهوم فورس‌ماژور به‌عنوان استثنایی بر اصل لزوم قراردادهای و یکی از مصادیق معاذیر قراردادی به رسمیت شناخته شده و برای تحقق آن در نظام حقوقی ایران، حادثه باید غیرقابل پیش‌بینی^۲، اجتناب‌ناپذیر^۳ و خارجی^۴ باشد. در قانون مدنی ایران، فورس‌ماژور تعریف نشده و فقط در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ درباره آن مقرراتی ذکر شده است. فورس‌ماژور می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر خاتمه قراردادهای دولتی تلقی گردد (رستمی، ۱۴۰۱: ۳۳۱). برخی از نویسندگان حقوقی، فورس‌ماژور را به معنای حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی و کنترل می‌دانند که اجرای قرارداد را ناممکن می‌سازد (مولایی، ۱۴۰۱: ۵۰۳).

۲.۳. ذکر مصادیق فورس‌ماژور

یکی از موارد مهم درباره شرط فورس‌ماژور در قراردادهای، ذکر مصادیق یا استثنا نمودن برخی موارد از شمول این حوادث است. با بررسی قوانین و مقررات نفتی و متون قراردادهای نفتی بین‌المللی منعقدشده در نظام‌های حقوقی مختلف، می‌توان مصادیق فورس‌ماژور را به چهار گروه عمده تقسیم کرد:

۱. بلایای طبیعی^۵ مانند زلزله، سونامی، سیل، آتش‌سوزی و طوفان که بدون دخالت انسان بروز می‌کند؛
۲. جنگ‌ها و شیوع بیماری‌های واگیردار، آشوب‌ها، کشمکش‌های فرقه‌ای، حملات تروریستی، ناآرامی‌های داخلی و شورش‌ها که در سطح داخلی یا خارجی رخ می‌نماید؛
۳. فعل دولت از طریق وضع

1. Lex petrolea
 2. Unforeseen
 3. Unavoidable –inevitable
 4. External
 5. Natural disasters

قوانین و مقررات یا سایر تصمیمات اداری یا ترک فعل دولت از طریق خودداری از اعطای مجوزها و پروانه‌ها، مانند ندادن ویزا یا مجوز کار که باعث می‌شود انجام پروژه عملاً متوقف گردد؛ ۴. تحریم، ناآرامی‌ها و اعتصابات کارگری که اجرای پروژه را با تأخیر روبه‌رو می‌کند (Barry, 1992: 67). در شرایط عمومی پیمان، ابلاغی سازمان برنامه و بودجه، ماده ۴۳ به موضوع بروز حوادث قهری اختصاص دارد. مستند به این ماده، جنگ، اعم از اعلام‌شده یا نشده، انقلاب‌ها و اعتصاب‌های عمومی، شیوع بیماری‌های واگیردار، زلزله، سیل و طغیان‌های غیرعادی، آتش‌سوزی‌های دامنه‌دار و مهارنشده، طوفان و حوادث مشابه خارج از کنترل دو طرف پیمان که در منطقه اجرای کار وقوع یابد و ادامه کار را برای پیمانکار ناممکن سازد، جزء حوادث قهری به‌شمار می‌آید (رستمی، ۱۴۰۱: ۲۸۶).

۳.۳. شرایط و ضوابط لازم برای قابلیت استناد به فورس‌ماژور

بعد از وقوع حادثه فورس‌ماژور، طرف قراردادی که در پی استناد به فورس‌ماژور به‌عنوان یک عذر قراردادی معاف‌کننده از مسئولیت است، باید اثبات کند حادثه واقع شده، شرایط تحقق فورس‌ماژور را دارد. مهم‌ترین این شرایط، پیش‌بینی‌ناپذیر بودن، غیرقابل دفع و اجتناب و خارجی بودن این حوادث است. اما در کنار سه عنصر اصلی پیش‌گفته، در برخی قراردادهای شرایط دیگری مانند تلاش برای کاهش خسارات^۱، صدور اعلامیه کتبی^۲ و تلاش معقول و متعارف طرفین قرارداد برای جلوگیری از گسترش سانحه و حفاظت از تأسیسات و تجهیزات و اموال موضوع قرارداد نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

۴.۳. آثار فورس‌ماژور بر قرارداد و تعهدات طرفین

وقوع حادثه فورس‌ماژور بر حیات قرارداد، حقوق، تعهدات و مسئولیت‌های طرفین قرارداد تأثیرات موقت یا دائمی دارد. در قراردادهای نفتی ضمانت اجراهای وقوع فورس‌ماژور پیش‌بینی می‌شود. در هنگام وقوع فورس‌ماژور، الزام به انجام تعهدات قراردادی طرفین در دوره‌ای که حادثه رخ داده است، از بین می‌رود و طرفین بابت عدم انجام این تعهدات در دوره وقوع فورس‌ماژور، مسئولیت قراردادی ندارند. وقوع فورس‌ماژور سبب ایجاد وقفه، مانع و تأخیر در اجرای تعهدات قراردادی طرفین می‌گردد.

گاهی این وقفه کوتاه‌مدت بوده و شرایط و اوضاع‌واحوال به گونه‌ای است که پس از گذشت زمانی کوتاه، واقعه فورس‌ماژور از بین می‌رود و امکان از سرگیری مجدد قرارداد وجود دارد. در این حالت، منافع و سود طرفین و اصل لزوم قراردادهای ایجاب می‌نماید در دوره کوتاهی که امکان انجام قرارداد وجود ندارد،

1. Mitigation of loss
2. Written notice

قرارداد معلق شده و حقوق و تعهدات طرفین به حالت تعلیق درآید. در بیشتر قراردادهای نفتی و غیرنفتی این موضوع درج شده است.

گاهی حادثه فورس‌ماژور از مواردی است که در دوره زمانی کوتاه‌مدت رفع نمی‌شود و حادثه‌ای مستمر و بلندمدت است. در حالتی که فورس‌ماژور عدم امکان دائمی اجرای قرارداد را در پی داشته باشد، موجب انحلال قرارداد و سقوط تعهد خواهد شد. در این صورت فورس‌ماژور موجب برائت متعهد و معافیت او از مسئولیت است و متعهدله نمی‌تواند به علت عدم اجرای قرارداد، مطالبه خسارت کند (ماده ۱۱۴۸ ق.م.فرانسه و ماده ۲۲۹ ق.م.ایران).

۴. تحلیل تحولات شرط فورس‌ماژور در قوانین، مقررات و قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ایران

۱. در قوانین و مقررات نفتی ایران، شرط فورس‌ماژور چندان مورد توجه قرار نگرفته است. بررسی قوانین تخصصی حاکم بر صنعت نفت و گاز بیانگر آن است که جز در قانون نفت ۱۳۳۶ و مصوبه هیأت وزیران در خصوص الگوی جدید قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز موسوم به شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز به شماره ۵۷۲۲۵/ت۵۳۳۶۷-هـ مورخ ۱۳۹۵ با اصلاحات بعدی، در قوانین دیگر، مقرر صریحی مرتبط با شرط فورس‌ماژور یا مفاهیم مشابه آن ذکر نشده است. در قانون نفت ۱۳۳۶ نیز، به صورت کلی و بدون ارائه تعریف یا بیان ویژگی‌ها و مصادیق فورس‌ماژور، موضوع عدم مسئولیت عامل در صورت وقوع فورس‌ماژور و تمدید قرارداد در صورت ایجاد مانع موقت در اجرای قرارداد مورد اشاره قرار گرفته است. در مصوبه هیأت وزیران نیز در دو مورد خاص به موضوع فورس‌ماژور توجه شده است. نخستین مورد درباره چگونگی بازپرداخت هزینه‌های انجام‌شده از سوی پیمانکار در صورت تعلیق یا فسخ قرارداد ناشی از حادثه فورس‌ماژور است و مورد دیگر نیز بیان الزام به درج شرط فورس‌ماژور به‌عنوان یکی از شروط مؤثر در حقوق و تکالیف طرفین قرارداد و یکی از اصول اساسی قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ایران است و درباره مفهوم، ماهیت، تعریف، ارکان، مصادیق و آثار فورس‌ماژور، هیچ مقرره‌ای در این مصوبه ذکر نشده است. در قوانین و مقررات دیگر، از جمله قانون نفت ۱۳۵۳، قانون نفت ۱۳۶۶ با اصلاحات ۱۳۹۰، قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت و سایر مقررات مرتبط با صنعت نفت و گاز، مقرراتی درباره شرط فورس‌ماژور درج نشده است. مصوبه هیأت وزیران نیز صرفاً بر لزوم توجه به شرط فورس‌ماژور به‌عنوان یک شرط اساسی تأکید دارد. مطالعه و بررسی مفاد این قوانین نشان می‌دهد:

الف) تعریف روشنی از فورس‌ماژور در قوانین و مقررات نفتی ایران ارائه نشده است؛

ب) عناصر، ارکان و شرایط تحقق فورس ماژور، آثار و ضمانت اجراهای آن و نیز الزامات شکلی استناد به آن در قوانین نفتی مورد توجه قرار نگرفته است؛

ج) ملاک تعیین حادثه فورس ماژور، کلی و مبهم بوده و قابلیت تفاسیر متفاوت از سوی طرفین قرارداد یا مراجع حل اختلاف قرارداد را دارد؛

۲. در قراردادهای امتیازی منعقدشده در صنعت نفت و گاز ایران که از نخستین اشکال قراردادی مورد استفاده بوده، کمترین توجه به شرط فورس ماژور شده است و در بیشتر این قراردادها هیچ ذکری از این شرط به میان نیامده است.

در قراردادهای مشارکتی، خدماتی و پیمانکاری منعقد در صنعت نفت و گاز ایران، به‌ویژه قراردادهای منعقد پس از ملی شدن صنعت نفت و گاز ایران در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ و با تصویب قانون نفت ۱۳۳۶ و توجه به فورس ماژور در آن، شرط مذکور، مورد توجه جدی منعقدکنندگان قرار گرفته و در قراردادهای منعقد، یکی از مهم‌ترین شروط، شرط مربوط به فورس ماژور بوده است. در اکثریت قراردادهای خدماتی و مشارکتی منعقدشده پس از ملی شدن صنعت نفت تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ذکر تمثیلی مصادیق فورس ماژور، ویژگی‌های حادثه فورس ماژور و شرایط تحقق آن در غیر از حوادث ذکرشده، تأثیر آن بر تعهدات قراردادی طرفین، ملاک و مبنای فورس ماژور تلقی نمودن حوادث و چگونگی حل اختلافات مربوط به آن، به‌خوبی تبیین و مشخص شده است. به‌طور کلی، تکامل تدریجی قراردادهای نفتی در بخش مفاد و تعهدات طرفین، با تکامل شرط فورس ماژور نیز همراه بوده است.

نتیجه

بررسی و مطالعه قوانین و مقررات مربوط به بخش بالادستی صنعت نفت و گاز ایران و قراردادهای بالادستی منعقد در این صنعت نشان می‌دهد در نظام قانونی و قراردادی صنعت نفت و گاز، مفهوم فورس ماژور، استثنایی بر اصل لزوم قراردادها و یکی از مصادیق معاذیر قراردادی و ابزاری برای مدیریت ریسک قراردادهای نفتی به رسمیت شناخته شده است. موضوع مهم درباره شرط فورس ماژور در نظام حقوقی ایران، آن است که با مرور زمان و تکامل تدریجی قوانین و مقررات نفتی و تأثیرش بر نظام قراردادی نفت و گاز کشور، توجه به این شرط نیز متغیر و دستخوش تغییر و تحول بوده است؛ به‌این‌صورت که توجه به این شرط و درج آن در قراردادها با مرور زمان بیشتر شده است و درحالی‌که در ابتدای تشکیل نظام قراردادی نفت و گاز در ایران، به‌ویژه در قراردادهای امتیازی، توجه چندانی به این شرط نمی‌شد، با تکامل این قراردادها و توجه به ابعاد حقوقی آنها، شرط فورس ماژور نیز به مفاد قراردادها راه یافت و به یکی از مواد ثابت قراردادی تبدیل شد. در این راستا، متناسب با پیشرفت نظام حقوقی نفت و گاز کشور و تدوین قوانین نفتی و استقرار نظام قانونی نفت و گاز در کشور، ابعاد حقوقی

این شرط، به‌ویژه دربارهٔ تعریف و ماهیت‌شناسی، ذکر مصادیق، ویژگی‌ها و شرایط حوادث فورس‌ماژور، آثار و ضمانت اجراها، شرایط اعمال شرط از سوی طرفین و حقوق و تعهدات آن‌ها پس از خاتمه قرارداد به علت فورس‌ماژور روشن شد. در این باره قراردادهای بیع متقابل منعقدشده پس از وقوع انقلاب اسلامی، به‌ویژه نسل جدید قراردادهای نفتی موسوم به آی.پی.سی، از غنای حقوقی بیشتری برخوردارند. بنابراین چنانچه بخواهیم سیر تاریخی شرط فورس‌ماژور را در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز تقسیم‌بندی کنیم، باید به وجود سه دورهٔ متفاوت قائل شویم:

دورهٔ نخست، دورهٔ بی‌توجهی و عدم درج شرط فورس‌ماژور در قراردادها بود که از ابتدای شکل‌گیری نظام قراردادی نفتی در ایران، به‌ویژه در قراردادهای امتیازی، مانند امتیازنامهٔ داری و رویتر تا قبل از ملی شدن صنعت نفت و گاز ایران را دربرمی‌گیرد؛

دورهٔ دوم، دورهٔ ظهور شرط فورس‌ماژور در قانون نفت ۱۳۳۶ و به‌تبع آن، درج این شرط در بیشتر قراردادهای بالادستی منعقدشده بین سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۵۷ است. مطالعهٔ استقرایی قراردادهای منعقدشده در این دوره نشان می‌دهد طرفین قرارداد ضمن به رسمیت شناختن شرط فورس‌ماژور و درج این شرط برای مدیریت حقوقی وقایع ناشناخته در دورهٔ حیات قرارداد، آثار و ضمانت اجرای شرط مذکور بر حیات قرارداد و حقوق و تعهدات طرفین را نیز مورد توجه قرار داده‌اند؛

دورهٔ سوم، دورهٔ توجه و اهمیت دادن فراوان به شرط فورس‌ماژور و در بازهٔ زمانی پس از انقلاب اسلامی است. مهم‌ترین قالب قراردادی بالادستی صنعت نفت و گاز در این دوره، قراردادهای بیع متقابل است که در این نوع قرارداد، ضوابط مربوط به فورس‌ماژور به‌خوبی مورد توجه قرار می‌گیرد و شرط مربوط به فورس‌ماژور، یکی از مبسوط‌ترین شرایط قراردادهای نفتی منعقدشده در این دوره می‌شود. در این دوره، دربارهٔ شرایط شکلی و ماهوی فورس‌ماژور، شرایط تحقق و الزامات استناد به آن، مصادیق فورس‌ماژور و ارکان و عناصر تشکیل‌دهندهٔ آن، تأثیر فورس‌ماژور بر حیات قرارداد، هزینه‌های انجام‌شده، حقوق و تعهدات طرفین و چگونگی تعلیق یا خاتمهٔ قرارداد و معافیت از مسئولیت قراردادی به دلیل وقوع فورس‌ماژور، در قراردادهای نفتی، مقررات بسیار دقیق و صریحی گنجانده شده است.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، سیدنصرالله؛ شادی اویارحسینی (۱۳۹۱). «آثار تحریم بر اجرای قراردادهای بازرگانی بین‌المللی از منظر فورس ماژور». *نشریه دانش حقوق مدنی*، سال یکم، شماره ۲، ص ۱۷-۱. در: https://clk.journals.pnu.ac.ir/article_284_7c565de7c15f57be2207f90531a98a18.pdf (۱۰ دی ۱۴۰۱)
۲. درخشان، مسعود (۱۳۹۲). «ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی- تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران». *فصلنامه اقتصاد انرژی ایران*، سال سوم، شماره ۹، ص ۱۱۳-۵۳. در: https://jiec.atu.ac.ir/article_684.html (۱۳ مرداد ۱۴۰۱)
۳. رستمی، ولی (۱۴۰۱). *حقوق قراردادهای اداری*. تهران، نشر دادگستر.
۴. رفیعی، محمدتقی؛ عیسی رجبی (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی فورس ماژور و هاردشپ در قراردادهای سرمایه‌گذاری نفت و گاز با تأکید بر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای». *مجله مطالعات حقوق انرژی*، دوره هفتم، شماره ۲، ص ۲۵۲-۲۲۹. در: https://jrels.ut.ac.ir/article_88430.html?lang=fa (۲۰ مهر ۱۴۰۱)
۵. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۰). *حقوق تجارت بین‌الملل*. چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.
۶. شکوهی، محمدرضا؛ الیاس، نادران (۱۳۹۰). «تاریخ تحولات قراردادهای در صنعت نفت ایران (با تأکید بر ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۳)». *مجله تاریخ ایران*، دوره چهارم، شماره اول، ص ۱۱۰-۷۷. در: https://irhj.sbu.ac.ir/article_94645.html (۲۰ شهریور ۱۴۰۱)
۷. صفایی، سیدحسین (۱۳۶۴). «قوة قاهره یا فورس ماژور». *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۳، ص ۱۴۹-۱۱۱. در: <http://ensani.ir/fa/article/125131> (۲ شهریور ۱۴۰۱)
۸. حسین‌آبادی، امیر (۱۳۷۶). «تعادل اقتصادی در قرارداد». *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۱۵۳-۱۲۱. در: https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56878.html (۱۳ آبان ۱۴۰۱)
۹. صابر، محمدرضا (۱۳۹۲). *بیع متقابل در بخش بالادستی نفت و گاز*. تهران، نشر دادگستر.
۱۰. مولایی، آیت (۱۴۰۱). *قراردادهای اداری (مطالعه تطبیقی بسترها، مبانی، ماهیت و اصول)*. چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.

ب) خارجی

11. Amon & Wanlton (1976). *Introduction to French law*. 3ed, London, Oxford University presses.
12. Barry, Niklas (1992). *the French Contract Law*. 2ed, Clarendon Press, Oxford.
13. Bunter. Michael A. G (2009). "The Iranian Buy Back Agreements". *Oil, Gas & Energy Law, OGEL* 1. <https://www.ogel.org/article.asp?key=2855> (Accessed 19 July 2023).

14. Charles N. Brower; Mark D. Davis (1988). "The Iran-United States Claims Tribunal after Seven Years a Retrospective View from the Inside". *Arbitration Journal*, vol.43. <https://arbitrationlaw.com/library/iran%E2%80%94states-claims-tribunal-after-seven-years-retrospective-view-inside-dispute> (Accessed 9 June 2022).
15. Ghorbani, E; "Ownership of Petroleum Resources in Islam (Twelver Shia) and The Iranian law" OGEL 3 (2017). www.ogel.org. URL: www.ogel.org/article.asp?key=3691 (Accessed 13 April 2022).
16. Hossein Sadeghi (1994). "Impossibility of performance of contracts in Islamic Law a comparative analysis with particular reference to Iranian and English law". *PhD Thesis University of Liverpool*.
17. NRC (2000). National Research Council (US), "Risk analysis and Uncertainty in Flood Reduction Studies". National Academic Press. <https://nap.nationalacademies.org/catalog/9971/risk-analysis-and-uncertainty-in-flood-damage-reduction-studies> (Accessed 7 April 2023).
18. Puelinckx, A.H (1986). Frustration, Hardship, Force Majeure, Imprévision, Wegfall der Geschäftsgrundlage, Unmöglichkeit, Changed Circumstances, 3 *J.Int'l Arb.*, No. 2, at 47 et seq.pp50-79 (Accessed 15 October 2022).
19. Southington, Tom (2001). "*Impossibility of Performance and Other Excuses in International Trade*". Publication of the Faculty of Law of the University of Turku, Private Law Publication Series B.
20. Trends. E (2007). *Doctrine of frustration: Emerging trends*. 2 the Journal of Legal Awareness. pp 130-136, available at: <https://www.indianjournals.com/ijor.aspx?target=ijor:vidhigya&volume=2&issue=1and2&article=018> (Accessed 23 May 2023).
21. Thomas W. Wälde, Renegotiating acquired rights in the oil and gas industries: Industry and political cycles meet the rule of law, *The Journal of World Energy Law & Business*, Volume 1, Issue 1, 1 May 2008, PP 55–97. <https://doi.org/10.1093/jwelb/jwn005> (Accessed 7 November 2022).
22. Zaccaria, Elena Christine (2005). the Effect of Changed Circumstances in International Commercial Trade, *International Trade and Business Law*, Vol. 9. pp67-91. <http://classic.austlii.edu.au/au/journals/IntTBLawRw/2004/6.html> (Accessed 27 May 2023).
23. Zivkovic, Velimir, Hardship in French, English and German Law (October 1, 2012). Strani pravni život (Foreign Legal Life) - Časopis Instituta za uporedno pravo u Beogradu (Institute for Comparative Law in Belgrade review), January 2013, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2158583> (Accessed 15 December 2022).